



سیاسی

دیری است که شعارهای زیبا و انسان‌دوستانه‌ای چون عدم خشونت، دفاع  
غریبی جاری می‌گردد و به ظاهر الگو و هدف عملکرد آنان شده است. شعار  
که زیر لوای آن به هر جنایتی دست می‌زنند.  
۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ آغازی بر فهرست شعارهای رنگارنگ!

پس از جنگ جهانی دوم، توجه کشورهای جهان به مسئله نقض حقوق افراد و  
پایمال کردن حریم آزادی انسان‌ها، معطوف شد. توجه افکار جهان به این مسئله،  
سبب شد تا استعمارگران شیوه خود را برای دست‌یابی به اهدافشان، تغییر دهند؛ لذا  
دول متفق گرد هم آمدند و براساس اندیشه‌های خود، سازمانی را پایه‌ریزی  
کردند که داعیه دفاع از حقوق بشر داشت. گرچه به یقین از کشورهایی که خود  
عامل اصلی جنگ جهانی و مسئول قتل عام هزاران فرد بی‌گناه بودند، چنین  
انتظار نمی‌رفت که به یکباره منافع خود را رها کرده و مدافع حقوق سایرین  
شوند، اما به هر عنوان، مسئله دفاع از امنیت و حقوق افراد و مبارزه با خشونت و  
ترور، به این وسیله در جهان رسمیت یافت.  
پس از فراز و نشیب‌های فراوان، سرانجام «منشور ملل متحد» متشکل از  
یک مقدمه و یکصد و یازده اصل، با هدف ترویج صلح و امنیت جهانی،  
در اکتبر ۱۹۴۵ پس از تصویب، به امضا رسید. تقریباً سه سال بعد  
از تصویب و اجرای منشور ملل متحد، در دسامبر ۱۹۴۸ «اعلامیه  
جهانی حقوق بشر» بدون حتی یک رأی مخالف، به تصویب  
اعضای سازمان ملل رسید. این اعلامیه ۳۰ ماده‌ای تصویب  
شد تا بتواند حقوق اولیه هر انسانی را با هر نژاد و رنگی  
و در هر جای دنیا، آن‌گونه که دولت‌های دست‌اندرکار  
می‌خواستند، اعاده کند.  
اصل زندگی مسالمت‌آمیز در صلح و صفا، ستون  
تحریکات و تهدیدهای بلوک‌های را تشکیل می‌داد، اما پس از آن با  
به اعتقاد برخی نویسندگان و متفکران غربی، خشونت؛ محصول دوران  
طفولیت ملت‌هاست، دورانی که دآوری برای قضاوت بین کشورها نبود و  
وجود منافع آنی، دولت‌ها را به جنگ وامی‌داشت، اما با نظر به اوضاع روابط دولت‌ها  
و کشورها پس از تصویب این اعلامیه، بطلان و فساد این نظر به روشنی آشکار می‌شود.  
چنانکه صدق این ادعا از اعلامیه مجمع جهانی ژنو در سال ۱۹۹۶ که این سازمان خشونت را به  
عنوان جدی‌ترین مشکل بشر معرفی کرده، هویداست.<sup>۱</sup>

# جنایت خشونت

شعار عدم خشونت، یکی از شعارهای خوش رنگ است که دنیای متمدن غرب، طلایه دار آن در عصر حاضر است. گویا سردمداران دموکراسی و حقوق بشر، عدم خشونت را تنها حد و مرزی برای سایر دولت‌ها می‌دانند و خود را مجری، بلکه ناظر بر اجرای آن به حساب می‌آورند. مقاله حاضر تنها نقی است بر طبل توخالی و پر سر و صدای غرب که بخش بسیار کوچکی از حقایق را آشکار می‌کند.



مورد تجاوز به عنف و هر ۱/۵ دقیقه، یک فقره سرقت رخ می‌دهد! تشدید رویدادهای خشونت‌آمیز در بین اقشار فرهنگی این دولت‌ها به ویژه آمریکا، بیانگر این مسئله است که بین علم و تکنولوژی و صلح و امنیت، رابطه متقابل وجود ندارد. به گزارش سازمان بین‌المللی دیده‌بان حقوق بشر؛ تبعیض نژادی، خشونت و تنبیه در مدارس آمریکا بیداد می‌کند. این سازمان جدیدترین گزارش خود از ساختار نظام تربیتی در آمریکا را «در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷، تعداد

دو بیست هزار دانش‌آموز آمریکایی قربانی تنبیه بدنی شدند. در این میان شمار دختران تیره پوست، دو برابر سفیدپوستان بود. شاید خطرناک‌ترین بخش این گزارش، میزان معلول باشد. نسبت به دانش‌آموزان ایالت تگزاس، حدود ۱۸/۴ درصد در حال آن‌که این افراد تنها ۱۰/۷ درصد کل دانش‌آموزان این ایالت‌اند.»

داده‌اند تا تروریسم جهانی ریشه کن کنند و حال آن‌که زنان و کودکان‌شان در فقر امنیت دست و پا می‌زنند.

می‌توان به اقدامات آمریکا علیه سلطه انگلستان اشاره کرد که از پشتیبانی عامه برخوردار بود. FBI؛ حزب کمونیست و حزب پلنگان سیاه را قلع و قمع کرد؛ چون آن را غیرقانونی می‌دانست. همچنین در حال حاضر، تبعیض نژادی بین سیاهان و سفیدان و تزییع حقوق رنگین‌پوستان، تنها به این علت است که از نظر مردم و دولت؛ سفیدها برتر از سیاه‌ها هستند. طبق گزارش مؤسسه چینی «گفت‌وگوهای بشردوستانه»، اعمال خشونت نسبت به سیاهان روند رو به رشدی به خود گرفته است و با ۲۳ درصد افزایش، هنوز هم ادامه دارد. این تبعیض با پیشینه‌ای سیاه‌تر از آنچه رخ می‌دهد، در جوامع متمدن جهان هر روز ادامه دارد. طبق گزارش مجله یونایتد پرس در سال ۱۹۸۱؛ دولت آمریکا در سال ۱۹۳۶، از ۶۲۲ سیاه‌پوست به عنوان خوکیجه آزمایشگاهی برای آزمایش تفلیس استفاده کرد و حدود ۴۰۰ نفر از این عده، حتی پس از کشف پنی سیلین نیز معالجه‌نشده‌اند.

برخی معتقدند، اعمال خشونت در جوامع مدرن؛ در پی تورم، ناهمگونی‌های سیاسی، بیکاری، گرسنگی و ... رخ می‌دهد. شاید درست به همین دلیل باشد که در مهد آزادی و تمدن! هر ۲۲/۲ ثانیه یک جرم، هر ۳۰/۹ ثانیه یک قتل، هر ۵/۷ ثانیه یک

گرچه در ظاهر خشونت و ترور، از نظر همگان قبیح است، اما هنوز افرادی خلاف این عقیده را دارند. «ویر» معتقد است: «خشونت تا آن‌جا که دولت اجازه داده باشد، برای افراد و انجمن‌ها بلا مانع است»، اما باید پرسید از نظر دولت‌های غرب حد خشونت کجاست؟ و آیا اصلاً خشونت محدودی جز منافع استعمارگرانه دارد؟

۲. ابزاری به نام «خشونت» برخی معتقدند خشونت جزء قوای نفس بشر است و اگر به طور کلی از صحنه زندگی انسان محو شود، به یقین سازمان متعادل زندگی را بر هم می‌زند، چون از نظر برخی جامعه‌شناسان غربی، خشونت و ترور وسیله‌ای برای کنترل و ایجاد توازن در مقابل نیروهای منحرف است، اما با نظر به اوضاع جهان می‌توان گفت که در حال حاضر، خشونت ابزاری برای تأمین منافع دولتمردان غربی است و عصر ما همان‌طور که عصر اتم، الکترونیک، اطلاعات و فضا است؛ عصر ترور و خشونت نیز هست. نیروهای ترور سازمان‌یافته و گروه‌های فشار مخوف، قدرت انسان‌ها را به یغما می‌برند و باعث ریختن خون توده‌های جامعه می‌شوند.

آنچه بر قبیح و خطر جنایت‌ها می‌افزاید، مشروع دانستن خشونت از جانب دولت‌هاست؛ چیزی که در تاریخ کشورهای متمدن بی‌سابقه نیست و به دفعات رخ داده است. به عنوان مثال



خشونت خانگی، تبعیض علیه زنان در زمینه آموزش، استخدام، بهداشت و ...، سست شدن بنیاد خانواده، سکس و بهره‌کشی جنسی از زنان و ...؛ همگی مواردی است که به عنوان پدیده‌های خشونت و تبعیض علیه زنان در قلب کشورهای داعیه‌دار تساوی حقوق، در جریان است. طبق آمار، در سوئد، تعداد دفعات تجاوز به زنان در یک سال ۱۶ درصد افزایش یافت و به همین دلیل دولت سازمانی به نام «خانه زنان» در حمایت از این گروه از زنان تأسیس کرد.<sup>۵</sup>

در آمریکا طبق گزارش FBI، ۹۴ هزار مورد تجاوز در سال ۲۰۰۳ رخ داده است و حال آن‌که زنان در نظام کاری، در برابر کار مساوی، تنها ۸۰ درصد حقوق مردان را

دریافت می‌کنند. جالب است بدانید با وجود چنین حوادثی، آمریکا هنوز کنوانسیون حقوق زنان و کودکان را امضاء نکرده است و مجامع جهانی در مقابل چنین عملکردی سکوت اختیار کرده‌اند. وضع غیر قابل تحمل زندانیان با کمبود خدمات بهداشتی، بروز بیماری‌های عفونی و عدم توجه به آن‌ها در محیط جمعی زندان، استفاده از ابزار شکنجه برای بازجویی، طولانی بودن مدت بازداشت‌های موقت حتی تا ۱۸ سال، اختلاط کودکان زندانی با بزرگسالان و حتی زندانی کردن یک زن و دختر با تعداد زیادی



مرد، از جمله وقایعی است که هر روز در این کشورهای متمدن در حال وقوع است.<sup>۶</sup>

### ۳. خشونت جایی فراتر از سرزمین آزادی

انسان‌های متمدن غرب، با دخالت در امور سایر کشورها، به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، به دنبال تأمین امنیت پوشالی برای ملت‌هایشان، گویا خشونت و تروریسم جهانی را در سرزمین‌های نفت‌خیز جهان یافته‌اند. آنها می‌خواهند به مردم جهان چنین بقبولانند که بین پیشرفت تکنولوژی و برقراری صلح و امنیت، رابطه‌ی متقابلی وجود دارد. لذا کشورهای غیرمتمدن و توسعه نیافته‌ای چون عراق و افغانستان، برای تأمین امنیت و صلح‌شان، نیازمند ناظری از این کشورها هستند. در حالی که اسناد تاریخی کهن چنین نشان می‌دهد که خشونت در اقوام اولیه و قبایل بومی که هنوز پای تمدن به سرزمین‌شان باز نشده، بسیار ضعیف و کم‌رنگ‌تر از زمان کنونی است. «تاساوی»ها مثال خوبی برای این مدعا هستند و تاسمانیایی‌هایی که به عنوان یکی از جوامع صلح‌طلب شناخته شده بودند و در سال ۱۸۷۳ در نتیجه جنایات انگلیسی به کلی نابود شدند، گواه دیگری به این مطلب‌اند. در آفریقا «پیگمه‌ها» که شکارچیان فرانسوی در گردش‌هایشان برای تنوع و خوشگذرانی، آنها را «شکار» می‌کردند و بومیان استرالیا، سرخپوستان پاپاگو، وزونی پویلو و .. که همگی قبایلی بودند که به وسیله گاوچران‌های آمریکایی نیست و نابود شدند، تنها نمونه‌هایی از موارد نقض مدعای غربیان‌اند. این اتفاقات هنوز هم ادامه دارد، اما به صورت آشکار و در مقابل لنز دوربین‌هایی که تصویر جنایات را به تمام جهان مخابره می‌کنند. سایت خبری کابل پرس، طی گزارشی از خشونت‌های

در محیط جمعی زندان، استفاده از ابزار شکنجه برای بازجویی، طولانی بودن مدت بازداشت‌های موقت حتی تا ۱۸ سال، اختلاط کودکان زندانی با بزرگسالان و حتی زندانی کردن یک زن و دختر با تعداد زیادی







غرب به منافعشان نیست. درست به همین دلیل است که آن قدر شعار عدم خشونت و تروریسم را بلند فریاد می‌زنند که دیگر کسی صدای خرد شدن استخوان مردم افغان و عراق و ... را نمی‌شنود. آن‌ها پرچم عدالت جهانی را آن قدر بزرگ دوخته‌اند که می‌توانند در سایه آن هر جنایتی مرتکب شوند، بی آنکه کسی آنها را ببیند. اکنون جامعه ملل متحد می‌تواند روز تولد مهاتما گاندی را روز جهانی مبارزه با خشونت بنامد و جشن بگیرد، به نیروهای حافظ صلح جایزه بدهد و مردم جهان را غرق در خیال خام امنیت جهانی کند؛ اما واقعیت این است که همه فطرت‌های بیدار می‌دانند که «صلح زیر درخت زیتون نشسته است و روزهای گذشته را لوٹ می‌کند.»

#### بی‌نوشت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی بدون خشونت [www.novilolence.ir](http://www.novilolence.ir).
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی طوبی [www.tooba-ir.org](http://www.tooba-ir.org).
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی فارس نیوز [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com).
۴. همان.
۵. همان.
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی طوبی [www.tooba-ir.org](http://www.tooba-ir.org).
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی کابل پرس [www.kabulpress.org](http://www.kabulpress.org).
۸. پایگاه اطلاع‌رسانی [www.magiran.com](http://www.magiran.com).
۹. پایگاه اطلاع‌رسانی تیبان.

آمریکا در عراق، چنین نوشت: «می ۱۹۹۷ کشته شدن دو هزار طالب در مزار شریف و دشت لیلی، سپتامبر ۱۹۹۷ قتل ۵۳ هزار نفر در میدان هوایی مزار شریف، دسامبر ۱۹۹۸ قتل ۶۰۰ نفر غیر نظامی در منطقه قیسار، آوارگی ۲۰ هزار نفر و قتل ۱۲۰ نفر در می ۱۹۹۹ و ...»<sup>۷</sup> کشیدن ناخن، کندن پوست از بدن زندانیان زنده، ریختن مواد مذاب در گوش، حلق و بینی، انداختن انسان‌ها در دیگ روغن مذاب، بریدن گوش و بینی و ...؛ تنها الگوی مناسبی برای شکنجه‌گران غربی بود که ارمغان قرون وسطی به شمار می‌رود تا غریبان اعمالی هزاران برابر شنیع‌تر و وحشتناک‌تر را با زندانیان ابوغریب و گوانتانامو انجام دهند. در این زندان‌ها، زنان به ویژه در مقابل مردان‌شان مورد تجاوز قرار می‌گیرند، مردان وادار به عمل جنسی با همجنس و حتی حیوانات می‌شوند، زندانیان مجبور به بلعیدن کثافت و اشیای گندیده می‌شوند، به بدن زندانیان برق وصل می‌کنند و ...<sup>۸</sup>.

این‌ها همه در کنار اخبار فاجعه‌آمیز جنایات صهیونیست‌ها در فلسطین و لبنان، گواه خوبی بر پوچی شعار عدم خشونت در عصر حاضر است. اسرائیل، بی‌رحمانه باریکه غزه را محاصره می‌کند، مردمش را به گروگان می‌گیرد، انتقال سوخت، آب، دارو و حتی غذا را به این منطقه ممنوع می‌کند و فریاد می‌زند که مسلمانان، تروریست و خشونت‌طلب‌اند!<sup>۹</sup>

آمریکا، انگلیس، فرانسه و همه آنانی که با این سیاست‌ها موافق‌اند، نمی‌خواهند مردم جهان و حتی مردم خودشان، واقعیت تلخ ظلم آن‌ها را باور کنند، نمی‌خواهند مردم از حوضچه‌های خونشان با خبر شوند، گورهای دسته‌جمعی‌شان را ببینند، از تعداد سرهای بریده‌شان مطلع شوند و باور کنند صلح و امنیت و مبارزه با ترور و خشونت، تنها نیرنگی بیش برای رسیدن سردمداران

و اقتباس از کتاب‌های:  
اعلامیه جهانی حقوق بشر، گلن جانسون، محمدجعفر پوینده، نشر نی، بی‌جا، ۱۳۷۷.  
تروریسم، عبدالرحمان دیلی‌پاک، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات، سپهر، ۱۳۳۸.  
جامعه‌شناسی سیاسی، روبرت دوز سیمور مارتین، محمدحسین فرجاد، توس، تهران، ۱۳۷۳.